

رسالت خطیر زمامداری از دیدگاه وحی و عقل و فطرت جزو برجسته‌ترین رسالت‌هایی است که جایگاه رفیعی را در میان جوامع بشری به خود اختصاص داده است. از این رو، چنین رسالتی ایجاب می‌کند توسط کسانی بر عهده گرفته شود که از جنبه‌های گوناگون ایمانی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و... جزو برجسته‌ترین‌ها باشند. خلق‌و‌خو و منش شخص زمامدار به‌ویژه همواره در منظر و التفات همه کسانی است که وی را برگزیده‌اند تا امور جاری سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وطنشان را در ساحت ملی و بین‌المللی به دست او بسپارند.

در این عصر و زمانه که دنیا شاهد زمامداری دو شخصیت بسیار عالی مقام و ارجمند، یعنی امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری بوده است، امت اسلامی و بسیاری از حق‌پویان در ایران و جای‌جای جهان از این دو رهبر عظیم‌الشان و این دو اسوه شایسته و نمونه از جنبه‌های فراوان، بسیار الهام پذیرفته و از خلق و خوی این دو بزرگوار بسیار الگو گرفته‌اند. اما آیا همه زمامداران در رده‌های بعد از رهبری نیز شایسته چنین الگوبرداری هستند؟ طی نزدیک به چهار دهه انقلاب اسلامی از آغاز پیروزی تا کنون، مردم ما بخصوص شاهد حضور زمامداران دیگری در رتبه دوم و پایین‌تر نیز بوده‌اند و از حضور و فعالیت و کنش و روش و بینش مثبت و منفی آنان هم تأثیر پذیرفته و در مواردی حتی نسبت به گفتار و رفتار این دسته از زمامداران واکنش‌های مناسب و یا نامناسب نشان داده‌اند. ریاست جمهوری و ریاست مجلس و ریاست قوه قضاییه کم‌مقامی نیست، تأثیرپذیری ملت از اخلاق و منش این مقام‌ها و یا واکنش ملت به خلق‌و‌خو و رفتار آن‌ها را هرگز نباید از نظر دور داشت. در این نوشته، از میان همه نمونه‌هایی

که تاکنون در انظار عمومی به طور زشت یا زیبا جلوه‌گر بوده‌اند، تنها به برخوردها در واکنش به مذاکرات هسته‌ای و اخیراً در جریان مناظره‌های تبلیغاتی انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری بسنده و اشاره می‌کنم. در کنار همه کسانی که در انتخابات ریاست جمهوری به نفع یکی از کاندیداها و علیه دیگری فعال بوده‌اند، صاحب‌نظرانی نیز با کمال انصاف و رعایت بی‌طرفی، شاهد صحنه‌هایی از سخنرانی‌ها، تبلیغات و مناظره‌های تلویزیونی نامزدها بوده و هستند. این گروه از شاهدان عینی، دور از جنجال‌های سوگیرانه سیاسی، حضور و رفتار و منش و گفتار نامزدها و دیگر مسؤولان را با دقت زیر نظر تیزبین و موشکافانه خود قرار می‌دهند و در مورد آن‌ها به دوری و مقایسه می‌پردازند. وجدان عمومی جامعه ما هیچ‌گاه لفاظی‌های زشت و نابجا و دور از اخلاق و مروت و انصاف برخی از نامزدها و دستیاران ایشان را در گرماگرم فعالیت‌های انتخاباتی و قبل از آن در دوران تصدی‌گری مسئولیت‌های خطیر سیاسی-اجرایی فراموش نخواهد کرد. مردم بزرگوار ایران شاهدند که برخی از دولتمردان تا کنون هیچ‌گونه منش اخلاقی و سیاسی شایسته‌ای از خود به یادگار نگذاشته است. برخوردهای جسارت‌آمیز و دور از اخلاق و خارج از عرف و انصاف این گروه طی یازدهمین دوره دولت و در اثناء تبلیغات ریاست جمهوری با منتقدان تا کنون به چند ده مورد رسیده است. ملت ایران که جای خود، دنیا هم هرگز الفاظ و عباراتی را که از دهان و خامه قلم برخی از افراد شاخص گروه مزبور نثار منتقدانشان شده است از یاد نخواهد برد. نمونه‌هایی از این پاره‌گویی‌های ناروا عبارتند از: «کم‌سواد، بی‌قانون، بی‌دین، حسود، بی‌شناسنامه، جیب‌بر، دنیاندیده، مستضعف فکری، بی‌کار، متوهم، دارای خطای دید،

دین‌شناس، تخریب‌گر، فاسد، عقب‌مانده، لرزان، هراسان، کودک، عصر حجری، هوچی‌باز، تازه انقلابی شده، ایراد بگیر از خدا، تا کسی، دارای مهارت فقط در تهیه آبگوشت بزباش، مزخرف، بی‌شعور، برو بابا و...».

الگوپذیری از حکمرانان و متصدیان امر سیاست و اجرا چنان اهمیتی دارد که گفته می‌شود: «لناس علی دین ملوکهم»؛ مردم بر دین زمامداران خویشند؛ یعنی در سلسله باورها و ارزش‌ها و عملکردها از زمامداران خود الهام می‌پذیرند و از رفتارشان الگو می‌گیرند. بدیهی است زمامداری می‌تواند در دنیاداری و دین‌داری الگویی شایسته برای مردمش باشد که جوانب اخلاق سیاست و زمامداری را به کمال و تمام مراعات کند و برای استیفای حقوق مردمی که به تعبیر امام راحل علیه السلام ولی نعمت او و همه مسؤولان هستند تلاش جانانه به خرج دهد و خون دل‌ها بخورد. اما خدای ناکرده، اگر زمامداری افزون بر به‌کارگیری ادبیات ناروا در حق منتقدان، گرفتار رانت و ویژه‌خواهی سیاسی و اقتصادی هم باشد، خوب معلوم است که بر سر اخلاق زمامداری چه خواهد آمد و فرهنگ و ادبیات ناشایست و عملکردهای نادرست و ظالمانه و تبعیض‌آمیز چگونه رواج خواهند یافت و اعتبار نظام و دولت و ملت در پیش چشم جهانیان چگونه بر باد خواهد رفت!

رخدادهای تأسفبار ناشی از گفتار و رفتار و سیاست‌پردازی‌های نادرست برخی از مسؤولان بلندپایه کشور به‌ویژه در طول مذاکرات نافرجام هسته‌ای، اهالی «فرهنگ پویا» را بر آن داشت تا به مثابه تلنگری بجا این شماره از نشریه را به «اخلاق زمامداری» اختصاص دهند. این شما و این هم نشریه‌ای که سعی دارد از زبان مخاطبان ارجمند خود سخن بگوید.